

قیامت

اوصاف قیامت

در قرآن کریم



دکتر سیدمحسن میرباقری، مدرس دانشگاه فرهنگیان

اشاره

در مقاله گذشته درباره مسائلی بحث شد که در مراحل پایانی قیامت رخ می‌دهند و از مهم‌ترینشان بازپرداخت اعمال و احباط و تکفیر اعمال بود. اکنون به برخی اوصاف قیامت می‌پردازیم که در قرآن کریم بدان‌ها اشاره شده و هر کدام به یک جنبه از موضوع قیامت و یا یکی از رخدادهای آن اشاره می‌کند.

نام‌ها و رخدادهای قیامت

در صحنه قیامت، در کنار مسیر اصلی دادگاه، مسائل بسیاری رخ می‌دهد که در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بیان شده است؛ نام‌هایی که درباره قیامت در قرآن آمده است، هر کدام به جریان خاصی اشاره می‌کنند. در اینجا پاره‌ای از این جریان‌ها و نام‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

الف. تردیدناپذیر بودن قیامت

قرآن کریم بر تحقق واقعه قیامت تأکید بسیاری کرده است. برای نمونه فرموده است: «و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور» (حج/ ۷): به درستی که

قیامت آمدنی است و شکی در آن راه ندارد و در حقیقت خداست که کسانی را که در گورهایند برمی‌انگیزد.

در آیهای دیگر نیز آمده است:

«یا ایها الناس اتقوا ربکم و اخشوا یوماً لا یجزی و الٰد عن و الٰد عن و لا مولود هو جاز عن و الٰد شیئاً ان وعد الله حق فلا تفرنکم الحیاة الدنیا و لا یغرنکم بالله الغرور» (لقمان/ ۳۳): ای مردم، تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه هیچ پدری کیفر اعمال فرزندش را تحمل می‌کند و نه هیچ فرزندی چیزی از کیفر اعمال پدرش را. به یقین، وعده خدا حق است. پس مبادا زندگی دنیایی، شما را فریفته سازد و مبادا غرور و خودپسندی، شما را درباره خدای کریم بفریبد!

از میان وصف‌های مطرح در آیات قرآن کریم، که به حتمی بودن واقعه قیامت اشاره دارند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: روزی یقینی و بر حق (لقمان/ ۳۳) تردیدناپذیر (حج/ ۷)، آمدنی (طه/ ۱۵)، واقعه‌ای که دروغی در آن نیست (واقعه/ ۲)، و روزی که خدای رحمان در عین رحمت بر بندگان، مردم را در آن روز جمع خواهد کرد (انعام/ ۱۲).

ب. نزدیک بودن قیامت

قرآن کریم قیامت را «روز نزدیک» می‌خواند و می‌فرماید:

«و انذرهم يوم الازفة اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين من حميم و لا شفيع يطاع» (غافر/ ۱۸): آنان را به روز نزدیک هشدار بده؛ روزی که [از شدت وحشت]، قلب‌ها خشم خود را فرو خورده، به گلوگاه‌ها می‌رسند. ستمکاران هیچ خویشاوندی و شفيعی نخواهند داشت که فریادرسشان باشد.

و نیز می‌فرماید:
«انهم يرونه بعيدا * و نراه قريبا» (معارج/ ۶ و ۷): آنان قیامت را دور می‌بینند، ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم.

موضوع نزدیک بودن واقعه قیامت در قرآن کریم با نگاهی ویژه مطرح شده و در این باره به احساس و تصویری پرداخته شده است که پس از بیداری و زنده شدن در قیامت به انسان‌ها دست می‌دهد. توضیح اینکه انسان، پس از بیداری در صحنه قیامت، فاصله خود را با مرگ و زندگی دنیا بسیار کم می‌بیند، به طوری که احساس می‌کند تنها بخشی از روز را در خواب بوده است؛ گویا برزخ را فراموش می‌کند. البته در برزخ، حوادث بسیاری رخ می‌دهد و برخی انسان‌ها با عذاب الهی مواجه می‌شوند و برخی دیگر، یعنی اولیای خدا و مهربانان، در خوشی‌ها و نعمت‌ها به سر می‌برند، اما پس از زنده شدن، همه چیز را از یاد می‌برند.

این همانند حالتی است که در بی‌هوشی اتفاق می‌افتد. ممکن است کسی روزها در حالت بی‌هوشی باشد، اما پس از به هوش آمدن، از آنچه در حالت بی‌هوشی دیده و روحش سیر داشته است، چیزی به خاطر نمی‌آورد و از مدت آن دوران و گذشت زمان آن، احساسی ندارد و چه بسا از اطرافیان می‌پرسد: چه مدتی است که اینجا هستم؟ درباره خواب نیز همین اتفاق، پس از بیداری رخ می‌دهد. وقتی ما از خواب برمی‌خیزیم، جز اندکی از آنچه در خواب دیده‌ایم، چیزی به یاد نمی‌آوریم. ما عمده خواب خود را فراموش می‌کنیم و آنچه را هم که به یاد می‌آوریم، معمولاً مورد توجه قرار نمی‌دهیم؛ زیرا آنچه برای ما مهم است، مسائلی است که پیش از خواب بدان‌ها اهتمام داشته‌ایم یا انجام داده‌ایم.

روایات اسلامی، مرگ را خوابی طولانی دانسته‌اند و زنده شدن در قیامت را نیز به بیداری از خواب تشبیه کرده‌اند. جالب است که قرآن کریم تعبیر «توفی» را هم برای مرگ آورده و هم برای خواب. همچنین، تعبیر مبعوث شدن را که در قیامت رخ خواهد داد، دقیقاً برای بیداری از خواب نیز مطرح می‌فرماید. این دلالت بر آن دارد که خواب و مرگ، ماهیتی یکسان دارند. به این آیه توجه کنید:

«و هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه لیقضى اجل مسمى ثم الیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون» (انعام/ ۶۰): اوست کسی که در شب [به هنگام خواب، روح] شما را می‌گیرد و می‌داند که در روز چه انجام داده‌اید. سپس در روز، شما را از خواب مبعوث می‌کند [و این خواب و بیداری‌ها ادامه دارد] تا اینکه سرامدی تعیین شده فرا رسد و آن‌گاه بازگشت شما به سوی او خواهد بود و سپس شما را از آنچه عمل می‌کردید، باخبر می‌سازد.

در جایی دیگر نیز می‌فرماید:

«اللّٰهُ یتوفى الانفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها» (زمر/ ۴۲): خداست که به هنگام مرگ ارواح را می‌گیرد و روحی را که هنوز مرگش فرا نرسیده، در هنگام خواب، [آن را قبض می‌کند].^۱

شباهت کامل مرگ به خواب، با این تعبیر قرآن کریم، به خوبی روشن می‌شود. قرآن کریم نمونه‌ای از مرگ را در دنیا نشان می‌دهد که پس از بیداری از آن، دوره مرگ کاملاً فراموش می‌شود. خداوند در داستان حضرت عَزِیز می‌فرماید:

«و کالذی مر علی قریة و هی خاویة علی عروشها قال انى یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام ثم بعثه قال کم لبثت قال لبثت يوماً او بعض یوم قال بل لبثت مائة عام...» (بقره/ ۲۵۹): یا مانند آن کس که گذرش بر دهکده‌ای افتاد که خراب و ویران شده بود. گفت: «خداوند این [مردگان] را پس از مرگشان چگونه زنده خواهد کرد؟» پس خداوند او را صد سال میراند و سپس او را برانگیخت. [بدو] فرمود: «چه مدتی است که [در اینجا] درنگ نموده‌ای (تصور می‌کنی که چه اندازه خوابیده‌ای)؟». پاسخ داد: «یک روز یا پاره‌ای از یک روز». فرمود:



شباهت کامل مرگ به خواب، با این تعبیر قرآن کریم، به خوبی روشن می‌شود. قرآن کریم نمونه‌ای از مرگ را در دنیا نشان می‌دهد که پس از بیداری از آن، دوره مرگ کاملاً فراموش می‌شود.

نمی‌پذیرند، اگر تاریخی هم برایش گفته شود، باز نمی‌پذیرند و آن‌ها که به قیامت ایمان دارند، بدون ذکر تاریخ هم ایمان دارند.

«الی ربک منتهاها» (نازعات/ ۴۴): مهم این است که سرانجام قیامت، به پروردگار تو می‌انجامد.

در آن هنگام، همگان به حضور خدا می‌روند و در محضر او گرد خواهند آمد و البته این هشدار تنها برای کسانی است که به آینده خود می‌اندیشند.

«نما انت منذر من یخشاها» (نازعات/ ۴۵): تو تنها کسانی را می‌توانی نسبت به قیامت هشدار دهی که نگران آن‌اند.

خداوند در پایان به نوعی به تاریخ اشاره می‌کند و گویا می‌فرماید اگر می‌خواهند تاریخ قیامت را بدانند، ما این تاریخ را برای آن‌ها بیان می‌کنیم. البته تاریخی را که آن‌ها در قیامت احساس خواهند کرد.

«کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحاه» (نازعات/ ۴۶): روزی که آنان قیامت را مشاهده کنند، چنان است که گویا [از زمان مرگ تا لحظه برانگیختگی]، تنها شبی و یا روز آن [شب] را [نیز] سپری کرده باشند.

چه بسا حدیثی که مرگ را فرا رسیدن قیامت تلقی فرموده نیز ناظر به همین نکته باشد:

«إذا مات الرجل قامت قیامته» (مجلسی، ج ۵۸: ۷): آن‌گاه که شخص می‌میرد، قیامتش برپا می‌شود.

با توجه به این نکته، هر کسی می‌تواند زمان رسیدن قیامت خود را براساس احساسی که در روز قیامت دارد، تخمین بزند. با این نگاه، اگر کسی بیست سال دیگر در زندگی دنیا عمر می‌کند، «بیست سال و یک روز دیگر» در صحنه قیامت خواهد بود. گویا تعبیر برزخ به معنای حائل میان دو چیز نیز به همین معناست؛ یعنی دوران مرگ پس از دنیا، حائلی میان حیات دنیا و حیات آخرت است. چه بسا اینکه از آخرت تعبیر به «فردا» می‌کنند نیز از جهتی بر همین مطلب ناظر باشد. خداوند می‌فرماید:

«و لتنتظر نفس ما قدمت لغد» (حشر/ ۱۸): هرکس باید بنگرد که برای فردا (قیامت) چه تدارکی می‌کند.

«نه، بلکه تو صد سال را [در اینجا، در خواب مرگ] گذرانده‌ای».

به فرموده قرآن کریم، اصحاب کهف نیز دقیقاً همین سخن را پس از گذشت مدتی طولانی‌تر (۳۰۹ سال قمری)، بیان کردند: «و کذلک بعثناهم لیتساءلوا بینهم. قال قائل منهم کم لبثتم. قالوا لبثنا یوما او بعض یوم...» (کهف/ ۱۹): بدین ترتیب آنان را برانگیختیم تا از یکدیگر پرس‌وجو کنند. یک نفر از بین آن‌ها [به دیگران] گفت: «چند گاه است که [در اینجا] درنگ کرده‌اید؟». گفتند: «یک روز یا پاره‌ای از یک روز است که درنگ کرده‌ایم».

قابل توجه است که همین نوع گفت‌وگو و پرسش و پاسخ در قیامت نیز مطرح می‌شود و همانند هنگامی که از خواب برمی‌خیزند، چیزی از دوران مرگ به خاطر نمی‌آورند و یا اگر چیزی به خاطر می‌آورند، تصویری خواب‌گونه دارند که به آن نمی‌اندیشند و مدت خواب خود را نیز مانند عزیز (ع) و اصحاب کهف، کوتاه می‌یابند. به این آیات توجه کنید:

«یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین یومئذ زرقا * یتخافتون بینهم ان لبثتم الا عسرا * نحن اعلم بما یقولون اذ یقول امثلهم طریقة ان لبثتم الا یوما» (طه/ ۱۰۲ - ۱۰۴): [همان] روزی که در صور دمیده می‌شود و در آن روز مجرمان را کبودچشم برمی‌انگیزیم. با یکدیگر آهسته (زیر لب) می‌گویند: «ده روز بیشتر درنگ نکرده‌اید». ما به آنچه می‌گویند، آگاه‌تریم؛ آن‌گاه که برترین کارشناس آن‌ها می‌گوید: «روزی بیش درنگ نکرده‌اید».

با اندکی دقت روشن می‌شود که تعبیر «لبث» پس از رستخیز، دقیقاً همان تعبیری است که برای حضرت عزیز (ع) و اصحاب کهف آمده است. قرآن کریم، در جایی دیگر، این موضوع را با مقدمات و توضیحات بیشتری آورده است:

«یسئلونک عن الساعة ایان مرساها * فیم انت من ذکرها» (نازعات/ ۴۲ - ۴۳): درباره قیامت از تو سؤال می‌کنند که چه هنگام برپا می‌شود؟ تو برای ذکر [تاریخ] قیامت، چه انگیزه‌ای می‌توانی داشته باشی؟ خداوند نخست اعلام کردن زمان قیامت را بیهوده می‌شمرد، زیرا کسانی که



همگان به حضور خدا می‌روند و در محضر او گرد خواهند آمد و البته این هشدار تنها برای کسانی است که به آینده خود می‌اندیشند

ج. وضعیت چهره‌ها در قیامت

چهره‌ها در قیامت متفاوت‌اند، اما این به سبب تفاوت چهره‌ها در دنیا نیست، بلکه براساس اعمال انسان‌ها چهره‌های انسان‌ها نیز متفاوت است. در آن روز، همه چیز براساس ایمان و اعمال شکل می‌گیرد. آنان که در دنیا مؤمن‌اند و در مسیر تقوا گام برمی‌دارند، در آنجا از هر نعمتی برخوردار خواهند بود، که از جمله آن‌ها: چهره‌ای سپید، نورانی و زیباست. برعکس، کسانی که از ایمان و اعمال نیک بی‌بهره‌اند، از هر جهت نابسامان خواهند بود؛ از جمله اینکه: چهره‌ای تکیده، غبارآلود و سیاه خواهند داشت.

قرآن کریم می‌فرماید:

«یوم تبيض وجوه و تسود وجوه فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون * و اما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون» (آل عمران/ ۱۰۶ و ۱۰۷): روزی که [در آن] چهره‌هایی سپید و چهره‌هایی دیگر سیاه‌اند. پس درباره سیه‌رویان، [آنان] را نکوهش کنند که [چرا پس از ایمانتان، باز کافر شدید [و ناسپاسی پروردگار کردید]؟ پس اکنون به سبب اینکه کفر ورزیده‌اید، عذاب را بچشید. و اما سپیدرویان، در رحمت خداوند و در آن جاودانه خواهند بود.

بر این اساس، چه بسیار سیاه‌پوستان مؤمنی که در سرای آخرت سپیدرو و نورانی محشور می‌گردند و چه بسا سپیدپوستان کفرپیشه‌ای که با چهره‌ای سیاه از خاک برمی‌خیزند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وجوه یومئذ مسفرة * ضاحکة مستبشرة * و وجوه یومئذ علیها غبرة * ترهقها قطرة * اولئک هم الکفرة الفجرة» (عبس/ ۳۸ - ۴۲): در آن روز چهره‌هایی هستند که چون صبح فروزان‌اند؛ خندان و شادمان‌اند؛ و چهره‌های دیگری هستند که در آن روز غبارآلودند و خاک ذلت بر آن‌ها نشسته است. اینان همان کافران زشت‌کردارند.

و نیز می‌فرماید:

«وجوه یومئذ خاشعة * عاملة ناصبة» (غاشیه/ ۲ و ۳): رخسارهایی در آن روز ترسناک و ذلیل‌اند؛ همه کارشان رنج و مشقت است. «وجوه یومئذ ناعمة * لسعیها راضیه * فی جنة عالیة» (غاشیه/ ۱۰ - ۸): رخسارهایی در

آن روز از نعمت خود شادمان‌اند. از سعی و کوشش خود خشنودند و در بهشت برین‌اند. آری، اینان همان نیکانی هستند که پایان کارشان بهشت جاویدان خواهد بود. قرآن کریم در وصف آن‌ها می‌فرماید:

«ان الابرار لفی نعیم * علی الازرائک ینظرون * تعرف فی وجوههم نضرة النعیم» (مطففین/ ۲۲ - ۲۴): به درستی که نیکوکاران در نعمت‌های بهشت‌اند؛ بر تخت‌ها تکیه کنند و مناظر [-زیبا] را بنگرند. از چهره‌هاشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی‌یابند.

در این باره، حدیثی طولانی از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است. گزیده آن چنین است که: «امت من در روز قیامت با پنج پرچم نزد من می‌آیند». سپس چهار پرچم را ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: پرچمی با گوشه‌ای این امت، پرچمی با فرعون این امت، پرچمی با سامری این امت و پرچم ذوالتدیة (حرف‌ص بن زهیر، رهبر خوارج که در جنگ نهروان کشته شد). سپس درباره این چهار پرچم توضیح می‌دهد که آن‌ها بر ثقلین (یعنی بر کتاب خدا و عترت پیامبر اکرم (ص)) جفا کردند و با روی سیاه وارد آتش خواهند شد. آن‌گاه می‌فرماید:

«سرانجام بیرقی نزد من خواهد آمد با امام متقیان و بزرگ اوصیا و جلودار روسپیدان و وصی رسول پروردگار جهانیان، به آنان می‌گویم که بعد از من، با ثقلین چه کردید؟ در پاسخ می‌گویند: «از ثقل اکبر پیروی کردیم و ثقل اصغر را زنده نگاه داشتیم و به آن مهر ورزیدیم و از آن دفاع کردیم و یاری‌اش رساندیم؛ تا جایی که خون خود را نیز در پس پرچم عترت ریختیم». پس به آنان می‌گویم: سیراب و کامیاب وارد بهشت شوید. چهره‌هایتان سفید باد!

سپس رسول خدا این آیه را تلاوت کرد:

«یوم تبيض وجوه ... هم فیها خالدون»^۲

(آل عمران/ ۱۰۶ و ۱۰۷)

به‌طور کلی، اهل ایمان و تقوا، سپیدرو، با نشاط، شاداب و از نعمت شادان و خندان خواهند بود؛ ولی چهره کافران عصیانگر سیاه، ذلیل و غبارآلوده خواهد شد.

د. برخوردها در قیامت

قرآن کریم می‌فرماید:

«الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا



چهره‌ها در قیامت متفاوت‌اند، اما این به سبب تفاوت چهره‌ها در دنیا نیست، بلکه براساس اعمال انسان‌ها چهره‌های انسان‌ها نیز متفاوت است

المتقین» (الزخرف / ۶۷): دوستان [- دنیا] در آن روز دشمن یکدیگر می‌شوند، مگر پرهیزگاران.

قرآن کریم از درگیری اهل باطل با یکدیگر در صحنه قیامت سخن می‌گوید. این درگیری‌ها در دو صحنه‌اند:

۱. درگیری انسان‌های خودکامه با یکدیگر

نمونه این نوع درگیری، درگیری سردمداران ضلالت با پیروانشان است که در این آیه مطرح شده است:

«اذ تبرا الدین اتبعوا من الذین اتبعوا و راوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب * و قال الذین اتبعوا لو ان لنا کرة فنتبرأ منهم کما تبرعوا منا کذلک یریهم الله اعمالهم حسرات علیهم و ما هم بخارجین من النار» (بقره / ۱۶۶ و ۱۶۷): هنگامی که رؤسا و پیشوایان باطل از پیروان خود بی‌زاری جویند و عذاب خدا را مشاهده کنند و سبب‌ها از آنان بریده شود، آن‌گاه پیروان آن‌ها [از روی حسرت و پشیمانی] خواهند گفت: «کاش دیگر بار به دنیا باز می‌گشتیم، تا همان‌گونه که این‌ها از ما بی‌زاری جستند، ما نیز از اینان بی‌زاری بجوییم و بدین ترتیب، خداوند اعمال آن‌ها را حسرت دلشان می‌گرداند و آنان از آتش برون نمی‌شوند».

۲. درگیری مجرمان با شیاطین

در روز قیامت، مجرمان و شیاطین با هم محشور می‌شوند (مریم / ۶۸) و هر دو برای داوری در پیشگاه پروردگار حضور می‌یابند. بدتر اینکه قرین یکدیگر خواهند بود. البته این افراد در دنیا نیز شیطان قرینشان بوده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«و من یرعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین * و انهم لیصدونهم عن السبیل و یحسبون انهم مهتدون * حتی اذا جاءنا قال یا لیت بینی و بینک بعد المشرقین فبئس القرین» (زخرف / ۳۶ - ۳۸). هر که از یاد خدای رحمان رخ بتابد و به خدا پشت کند، شیطانی را بر او چیره می‌کنیم تا [پیوسته] قرین و هم‌نشین وی باشد. و آن شیاطین، این مردمان را از راه خدا باز می‌دارند و به ضلالت می‌افکنند، در حالی که می‌پندارند راه درست را یافته‌اند.

تا آن‌گاه که در قیامت به نزد ما بیاید، به آن شیطان خواهد گفت: «ای کاش بین من و تو به اندازه دو مشرق فاصله می‌بود». چه بد قرینی است شیطان.

از این آیات روشن می‌شود، آن‌هایی که شیطان در دنیا قرینشان است، در قیامت نیز همو قرین آن‌ها خواهد بود و چه بسا به گونه‌ای محشور شوند که نتوانند از یکدیگر جدا شوند.

قرآن کریم درباره درگیری آن‌ها چنین سخن می‌گوید:

و در صورتی که هر کسی می‌آید [در حالی که] با او سوق‌دهنده و گواهی‌دهنده‌ای است. [به او می‌گویند]: «واقعاً که از این [حال] سخت در غفلت بودی. [ولی] ما پندهات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیدهایت امروز تیز است. و [فرشته] هم‌نشین او می‌گوید: «این است آنچه پیش من آماده است [و ثبت کرده‌ام]». [به آن دو فرشته خطاب می‌شود]: «هر کافر سرسختی را در جهنم فرو افکنید، [هر] بازدارنده از خیری، [هر] متجاوز شکاکی - که با خداوند، خدایی دیگر قرار داد - [ای دو فرشته] او را در عذاب شدید فرو افکنید» (ق / ۲۰ - ۲۶).

پس از فرمان الهی برای افکندن مجرمان به جهنم، مسئله زیر رخ می‌دهد:

«قال قرینه ربنا ما اطغیته و لکن کان فی ضلال بعید» (ق / ۲۷): [شیطان] همدمش می‌گوید: «پروردگار ما، من او را به عصیان و ناداشتم، لیکن [خودش] در گمراهی دور و درازی بود».

این جمله کاملاً حالت دفاعی دارد. معلوم می‌شود انسان گمراه، شیطان قرین او بوده و در قیامت هم هست، می‌خواهد گمراهی خود را به گردن شیطان بیندازد و گویا می‌گوید: «خدایا، این شیطان بود که قرین من بود و مرا به راه طغیان و سرکشی انداخت» و او در پاسخ، جمله مذکور در آیه را می‌گوید. به سخن دیگر، این آیه نشان‌دهنده درگیری انسان جهنمی با شیطانی است که با او بوده، با او برانگیخته شده و قرین اوست. جمله بعد نیز نشانگر همین درگیری است. «قال لا تختصموا لدی و قد قدمت الیکم بالوعید * ما یدل القول لدی و ما انا بظلام للبعید» (ق / ۲۸ و ۲۹): خداوند می‌فرماید: «در

آن‌هایی که شیطان در دنیا قرینشان است، در قیامت نیز همو قرین آن‌ها خواهد بود و چه بسا به گونه‌ای محشور شوند که نتوانند از یکدیگر جدا شوند

پیشگاه من با همدیگر ستیز نکنید. من پیش تر به شما هشدار داده بودم. پیش من حکم دگرگون نمی شود و من نسبت به بندگانم بیدادگر نیستم.»

افزون بر موارد گذشته، قرآن کریم نامها و صفاتی نیز برای قیامت مطرح فرموده که هر کدام به یکی از ویژگی‌ها یا رخدادهای آن روز دلالت دارد. برخی از آن موارد چنین است:

- **الحاقه** (حاقه/ ۱۰۳): تحقق یابنده، حتمی؛
- **الواقعه** (واقعه): واقع شدنی؛
- **غد** (حشر/ ۱۸): فردا؛
- **ساعة** (روم/ ۱۲): پاره زمان؛
- **یوم الحق** (نبا/ ۳۹): روز برحق؛
- **یوم الفصل** (نبا/ ۱۷): روز فصل خصومت، روز جدایی؛
- **یوم معلوم** (واقعه/ ۵۰): روزی معین؛
- **یوم الوعد** (ق/ ۲۰): روز تهدید، روزی که بدان هشدار داده شده؛
- **یوم عظیم** (یونس/ ۱۵): روزی پرشکوه؛
- **یوم کبیر** (هود/ ۳): روزی بزرگ؛
- **یوم الدین** (حمد/ ۴): روز قانون و جزا؛
- **یوم لا مرد له من الله** (شوری/ ۴۷): روز بی بازگشت؛
- **یوم الخروج** (ق/ ۱۱): روز خارج شدن؛
- **یوم الیم** (هود/ ۲۶): روز دردناک؛
- **یوم عسیر** (مدثر/ ۱۹): روز سخت؛
- **یوم مشهود** (هود/ ۱۰۳): روز مورد مشاهده؛
- **یوما ثقیلا** (انسان/ ۲۷): روزی سنگین؛
- **یوم عقیم** (حج/ ۵۵): روز بدفرجام؛
- **یوم الجمع** (تغابن/ ۹): روز گرد آمدن؛
- **یوم التغابن** (تغابن/ ۹): روز احساس غبن، روز پشیمانی؛
- **یوم الحسرة** (مریم/ ۳۹): روز اندوه و رشک؛
- **یوم الخلود** (ق/ ۳۴): روز جاودانگی؛
- **یوم محیط** (هود/ ۸۴): روز احاطه کننده؛
- **یوم یقوم الروح و الملائكة صفا** (نبا/ ۳۸): روزی که روح القدس و فرشتگان به صفا می ایستند؛
- **یوم مجموع له الناس** (هود/ ۱۰۳): روزی که همه مردمان برای آن روز جمع می شوند؛
- **یوم تشخیص فیہ الابصار** (ابراهیم/

۴۲): روزی که چشم‌ها در آن خیره و حیران می شوند؛

- **یوما تتقلب فیہ القلوب و الابصار** (نور/ ۳۷): روزی که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون می شوند؛

- **یوم یتذکر الانسان ما سعی** (نازعات/ ۳۵): روزی که انسان تلاش خود را به یاد می آورد؛

- **یوما یجعل الولدان شیبا** (مزمّل/ ۱۷): روزی که کودکان را پیر می کند؛

- **یوما عبوسا قمطیرا** (انسان/ ۱۰): روزی دژم و اندوهگین؛

- **یوم تبلی السرائر** (طارق/ ۹): روز برملا شدن اسرار، روز آشکاری درون‌ها.

نتیجه

ع در آیات قرآن کریم، برخی از جنبه‌های واقعه قیامت روشن شده است؛ همچون تردیدناپذیر بودن آن، نزدیک بودن آن، تفاوت چهره‌های انسان‌ها در قیامت و برخورد انسان‌ها با هم‌نشینان خود در قیامت.

ع در قرآن کریم، یقینی بودن واقعه قیامت با چنین تعبیرهایی یاد شده است: روزی یقینی و برحق، تردیدناپذیر، آمدنی، واقعه‌ای که دروغی در آن نیست، و روزی که خدای رحمان در عین رحمت بر بندگان، مردم را در آن روز جمع خواهد کرد.

ع درباره نزدیک بودن فاصله قیامت، براساس آیات قرآن باید گفت که مراد از آن، احساسی است که پس از بیداری و زنده شدن در قیامت به انسان‌ها دست می دهد. به بیان دیگر، پس از بیداری در صحنه قیامت، انسان فاصله خود را با مرگ و زندگی دنیا بسیار کم می بیند، به گونه‌ای که احساس می کند تنها بخشی از روز را در خواب بوده است. گویا همچون خواب، پس از بیداری و زنده شدن، عالم برزخ را از یاد می برد و از همین روست که فاصله قیامت را بسیار نزدیک می بیند.

ع چهره‌های انسان‌ها در قیامت، بسته به ایمان و عملشان، متفاوت خواهد بود: مؤمنان سپیدرو و کافران سیه‌رو.

ع انسان‌های گناهکار و ظالم با هم‌نشینان خود در قیامت مجادله می کنند. این هم‌نشینان همان کسانی هستند که در دنیا نیز با آن‌ها قرین و هم‌نشین بوده‌اند.



پی‌نوشت‌ها

۱. از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است: «کما تنامون تموتون و کما تستیقظون تبعثون: همان‌طور که می خوابید خواهید مرد و همان‌طور که از خواب بیدار می شوید، [در قیامت نیز] برانگیخته خواهید شد» (الفیض الکاشانی، التفسیر الصافی، ج ۳، ص ۲۳۷).
۲. ر. ک: حویزی، نورالتقلین، ج ۱، ص ۳۸۱.
۳. فوریک لنحرنهم والشیاطین.